عشق به اهل بیت(ع) در نغمات قاضی نذرالاسلام نویسنده و شاعر بنگالی

دکتر شاهرخ محمد بیگی[1]

مهدی حسن[2]

چکیده

قاضی نذر الاسلام شاعر ملی بنگلادش است. آزادی بشریت، وحدت ملت، طرفداری از مستضعفان، انصاف و عدالت موضوعات اصلی شعر و نوشته هایش است. وی شاعر حماسه و شاعری عاشق پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است که این علاقه در اکثر آثارش به چشم می‌خورد. او سخت متأثر از آثار حافظ شیرازی، عمر خیام و سعدی بود. تعداد زیادی از الفاظ و واژگان فارسی در آثارش مشاهده می‌شود که آنها را غنی ساخته است. در آثار وی غم و اندوه و زحمت و پریشانی مردمان مظلوم جا گرفته است. او هزاران سروده و شعر و چند داستان کوتاه و رمان و نمایشنامه نوشت که دارای مضامین عشق و محبت می‌باشد. او شاعری مردمی است که عقیده داشت که حق گرفتنی است، نه دادنی. قاضی نذر الاسلام بعد از رابیندرانات تاگور در زمینهٔ ادبیات، بزرگ‌ترین شخص و نابغه در ادبیات بنگلا می‌باشد.

واژگان کلیدی: اهل بیت(ع)، قاضی نذرالاسلام، زبان فارسی، شاعر، نویسنده، بنگلادش.

---

1. دانشیارگروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز shbeygi@rose.shirazu.ac.ir

2. دانشجوی پیش دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا

مقدمه

نذر الاسلام شاعر ملی بنگلادش است. (Nurul Huda,2001:p5) لقب وی شاعر «شورشگر» است. شورش وی علیه ظلم و ستم حکومت بریتانیای هند و علیه حکمرانی ناحق آنها بود. او خود انسانی آزادیخواه بود که همین امر بارها منجر به دستگیری و زندانی شدنش شد. شورش وی علیه توطئهٔ انگلیس به واسطهٔ تفرقه اندازی میان هندوها و مسلمانان این سرزمین (شبه قاره هند) بود. (Mizanur Rahman,1983:p5) آزادی بشریت، وحدت ملت، طرفداری از مستضعفان، انصاف و عدالت موضوعات اصلی شعر و نوشته‌هایش به شمار می‌روند. وی شاعر حماسه بوده مضامینی چون دلیری و جوانمردی و انقلاب در آثارش هویدا است. او عاشق پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است که این علاقه در اکثر سروده‌هایش به چشم می خورد. این شاعر سخت متأثر از اشعار حافظ شیرازی، عمر خیام و سعدی بود. او تمام رباعیات عمر خیام را به زبان بنگلا ترجمه کرد. علاوه بر آن بخشی از غزلیات حافظ و رباعیاتش را نیز ترجمه کرد. (شهاب الدین احمد، 2001م، ج1:ص 484) تعداد زیادی از الفاظ و واژگان فارسی در آثارش مشاهده می‌شود که آثارش را غنی ساخته است.(حکیم عارف، 1997م:ص 119) وی هیچ وقت با حاکمان ظالم و مغرور صلح و آشتی نکرد بلکه همیشه مردم این منطقه را به سوی استقلال و آزادی و رهایی از حکومت انگلیس دعوت می‌کرد. او شاعری انسان دوست بود. (عبدالحی شیکدار، 1996م:ص 19) او شاعر عشق است و در آثارش غم و اندوه و زحمت و پریشانی مردمان مظلوم دیده می‌شود (Mizanur Rahman,1983:p117) هزاران سروده و چندین داستان کوتاه و رمان و نمایشنامه‌ای که خلق کرده است، همه دارای مضامین عشق و محبت می‌باشد. (اسد الحق، 1990 م : مقدمه) همچنین در آفرینشهای وی توصیف مناظر طبیعی نظیر بهار، گل، بلبل، کوه، دریا و درختهای سبز به زیبایی بیان شده است. (مصطفی نور الاسلام، 1991م:ص27) وی را می‌توان شاعری مردمی دانست که عقیده داشت حق گرفتنی است، نه دادنی. « شورش واعتراض وی برای مساوات و برابری همگان بود و به همین دلیل دربردارندهٔ مفهومی مثبت است، نه منفی.» (احمد شهاب الدین، 1999م:ص 106) قاضی نذر الاسلام بعد از رابیندرانات تاگور دریافت‌کنندهٔ جایزهٔ نوبل در زمینهٔ ادبیات، بزرگ‌ترین شخص و نابغه در ادبیات بنگلا می‌باشد. (Nurul Huda,1997:p137) گفته می‌شود که نذر الاسلام چون مخالف سلطهٔ استعمارگران انگلیس بود، قادر به دریافت جایزه نوبل نشد. وی نخستین شاعر معاصر ادبیات بنگلا بود که سبک و

شیوهٔ تاگور را بر هم زد و سبکی جدید و بی‌سابقه را در ادبیات بنگلا پدید آورد تا جایی که خود تا گور هم او را مورد ستایش قرار داد.

1- زندگی نامهٔ نذر الاسلام

نامش نذر الاسلام و نام نسبی‌اش «قاضی» است.(رفیق الاسلام، 1982م:ص 6) چون از منابع تاریخی معلوم می‌شود که یکی از نیاکان وی عهده‌دار سمت قضاوت از طرف سلطنت مغولان هند بود که منجر به ملقب شدن نوادگان وی به این لقب گردید. بنا بر اطلاعات تذکره‌نویسان، اجداد وی در زمان شاه عالم، یکی از آخرین شاهان مغولان هند، در منطقهٔ چورولیای شهرستان بردومان سکونت گزیدند. (محمد عیسی شاهدی، 1374ش:ص20) قاضی نذر الاسلام در تاریخ 25 ماه مه سال 1899 میلادی در روستای چورولیای شهرستان بردومان از توابع استان بنگال غربی هندوستان فعلی متولد شد. (احمد شهاب الدین، همان:ص 484) کنیه‌اش «دکو میا» (به معنای صاحب رنج و غم) بود. علت این نام‌گذاری این بود که بعد از پسر اول پدرش، که نامش صاحب جان بود، چهار پسر وی یکی پس از دیگری فوت کردند و سپس قاضی نذر الاسلام چشم به جهان گشود. به همین مناسبت، وی به همان نام مستعار خوانده می‌شد. البته مراحل بعدی زندگی‌اش نیز مملو از رنج و غم و فقر و بیماری بود. (رفیق الاسلام، 1982م:ص7) نام پدرش قاضی فقیر احمد و جدش قاضی امان الله و مادرش زاهده خاتون بود. پدر وجدش خدمتگزاران مزار (مقبره یک صوفی) و مسجد روستای چورولیا بودند. در سن هشت سالگی سایهٔ مهر و نوازش پدر از سر قاضی نذر الاسلام رخت بربست. (محمد عیسی شاهدی، همان:ص20) در ده سالگی آموزش ابتدایی خود را در مکتب (مدرسهٔ دینی برای کودکان) روستای خود به پایان رسانید و سپس در همان مدرسه شغل معلمی را وسیلهٔ کسب معاش قرار داد. چندی بعد عهده‌دار پیشهٔ آبا و اجدادش یعنی خدمتگزاری مزار صوفی شده و مؤذنی مسجد روستا را به عهده گرفت. (احمد شهاب الدین، 2001م :ص 485) وی اولین درس عربی، اردو، فارسی و بنگلا را نزد مدرس مکتب روستای مذکور به نام فضل احمد به خوبی فرا گرفت. علاوه بر این در همان ایام با زبان انگلیسی هم کمی آشنا شد. بعد از وفات پدر، نذر الاسلام چند سال زیر نظر بذل کریم یکی از عموهای خود قرار گرفت که در زبانهای عربی و فارسی تبحر داشت و در زبان بنگلا با واژگان عربی و فارسی شعر می‌سرود. بدون شک همهٔ اینها در پرورش افکار و نظرات قاضی نذر الاسلام اثر گذاشته است. بنابراین وی نیز از خردسالی شروع به شعر گفتن نمود که در همان ایام نگاه استادان و مردم را

به خود جذب می کرد. (محمد عیسی شاهدی، همان:ص 21) شاعر خان محمد معین‌الدین از شاگردان و رفقای قاضی نذرالاسلام دربارهٔ کودکی و نوجوانی وی می گوید پدرش قاضی فقیر احمد مردی فاضل و عارف و خادم مزار صوفی و امام مسجد روستای خود بود. به دلیل بدی وضعیت اقتصادی خانواده اش، بعد از وفات پدر و پایان تحصیلات ابتدایی، معلم مکتب و نیز اول مؤذن و بعد امام مسجد روستا شد. اما فقر و تنگدستی مسیر زندگی وی را خیلی زود دگرگون ساخت و او را از محیط دینی به جایی دیگر کشاند. در واقع بعد از وفات پدر، هیچ عاملی نبود که دل بی‌قرار این نوجوان کنجکاو را آرامش ببخشد. (خان محمد معین الدین، 1996م :ص5) به همین دلیل وی محیط دینی را ترک کرد و به یکی از گروه‌های فرهنگی محلی به نام «گروه لیتو» (گروه بازیگری و نمایشگری) پیوست. این گروه‌ها با یکدیگر به مسابقات شعر و سرود خوانی و نمایشی می‌پرداختند. نبوغ نذر الاسلام در این مرحلـه از زندگی‌اش شکوفا شد، زیرا وی برای این گروه نمایشنامه و سرودهای عامیانه می‌نوشت و می سرود. در این هنگام نه تنها اشعار ترانه‌ها را می‌سرود بلکه آهنگ آنها را نیز خودش تنظیم می کرد و خودش نیز آنها را می‌خواند (برزگر، 1375ش:ص2532) این نبوغ، خیلی زود او را استاد گروه خود ساخت. اما این هم زیاد ذوق کنجکاو وی را سیراب نمی‌ساخت و پس از مدتی این گروه را هم ترک کرد و در سال 1911میلادی از روستای خود به شهر «آسانول» تابع شهرستان بردومان رفت (احمد شهاب الدین، همان:ص 485) در آن هنگام، قاضی نذر الاسلام برای تأمین معاش خود در یکی از نانواییهای شهرآسانول به‌کار نان پزی مشغول شد. (عبد الحی شیکدار، 1996م:ص 24) عضویت وی در گروه فرهنگی محلی مذکور سبب شد با تارها و سازهای موسیقی آشنا شده و نواختن همهٔ آنها را به‌خوبی یاد بگیرد. نی، سه‌تار و هرمونیام از جمله سازهایی بودند که آنها را خیلی‌خوب می‌نواخت. در آسانول نیز به کار سرودن شعر و نواختن سازها ادامه داد و مردم را به سوی خود جذب می کرد. در همـان هنگام یکی از افسران پلیس به نام قاضی فیض الله او را در همان نانوایی پیدا کرد و با نبوغ وی آشنا شد. (Sajed Kamal,2000:p 237) او این پسر یتیم را از این نانوایی نجات داد و به روستای خود به نام «قاضیرسیلا» تابع شهرستان «میهن سینگ» بنگلادش فعلی برد و در دبیرستان «دری رام پور» در کلاس هفتم ثبت نام کرد. بعد از یکسال، در سال 1913 میلادی وی به «رانی گنج» (منطقـه‌ای در میهن سینگ) رفت و در دبیرستان «سیارسول راج» ثبت نام نمود. (Nurul Huda,1997:p6) اینجا نیز نبوغ وی بر تهیدستی‌اش غالب شد، زیرا اگرچه وی هیچ پولی نداشت اما به دلیل شاگرد ممتـاز

بودن از پرداخت هزینه‌های خوراکی، خوابگاه و درسی معاف شد. (شیخ اجیب الحق، 2001 م:ص43) قاضی نذر الاسلام در این مدرسه تا کلاس دهم بدون هیچ پریشانی تحصیلات خود را ادامه داد. شایان ذکر است که وی همیشه در کلاس شاگرد اول می شد. (خان محمد معین الدین، همان:ص 9) نذر الاسلام در زمان دانش آموزی نیز شعر می سرود و در مراسم و مناسبتهای گوناگون می‌خواند و توجه معلمان، دوستان و مردمان را به خود جلب می‌کرد. یکی از اشعار وی که در سن کم و در زمان دانش آموزی سروده بود برای ارزیابی خلاقیت ذاتی و نبوغ شعری وی بسیار قابل تأمل می‌باشد.

جوجه کوچولو

در میان روزن یک ساختمان قدیمی
یک جوجهٔ کوچک، زاری کنان مادر خویش را می‌خواند
باد این نغمهٔ زاری را تا دور دستها می برد
و مادرش آن‌سوتر با قلبی پریشان
که شاید پسرکی شیطان، بچه کوچک او را می رباید.
به سوی آشیانه پرید
در حالی‌که قلبش از مهر و محبت در سوز و گداز بود
و حشره‌ای در منقار داشت.
هنگامی که پرندهٔ کوچک، مادر خویش را دید
هوای آغوش گرم مادر، او را از خود بی‌خود کرد
روحش به هیجان آمد و در تلاش پرواز
از لانه بر زمین افتاد
و اشک از چشمان مادر فرو ریخت
پسرکی که رنج بی‌مادری جانش را می‌آزرد
با دیدن این صحنه به یاد محبت مادر،
آهی جان‌گداز از سینه‌اش برخاست.
نردبانی آورد و جوجه پرنده را در آشیانه‌اش گذاشت
چشمان پر اشک جوجه کوچک برقی زد

و با تمام وجود او را دعا کرد
چشمان حیرت زده مادر نیز به جگر گوشه‌اش دوخته شد
و با سپاسی از دل و جان
با قطره‌ای اشک از گوشه چشم نثار پسر کرد.

(محمد عیسی شاهدی همان :ص22-23)

قاضی نذر الاسلام تا کلاس دهم در همان مدرسه سیارسول راج در شهر رانی گنج درس خواند. در سال 1917 میلادی چند ماه پیش از امتحان دیپلم، امواج جنگ جهانی اول به سواحل استانهای هند به ویژه به بنگال هم رسید. حکومت انگلیس هند برای آن جنگ جوانان هند را هم تشویق کرد. (عبد المقیت چودری، 2000م:ص203) نیروهایی که به دعوت آن حکومت از هند تشکیل شد در صف نیروهای متفقین در جبهه‌های مختلف می‌جنگیدند. حکومت انگلیس در هر استان هند، به جز استان بنگال، سپاهی مستقلی تشکیل داده بود. به این سبب از این استان نیز صداها بلند شد تا سپاهی بنگالی تشکیل داده شود. به دنبال این جریان، سپاهی مستقل به عنوان «بنگالی پلتن » (سپاه بنگالی) از طرف حکومت انگلیس هند تشکیل گردید و اعلامیه‌ها برای ثبت نام در این سپاه منتشر شد. این اعلامیه‌ها جوانان شهر و روستای این استان را به هیجان آورد و بسیجی عمومی شروع شد. (محمد عیسی شاهدی، همان:ص 23) قاضی نذر الاسلام که جوانی باهوش بود و روحیه‌ای مبارزه و آزادیخواه در خونش جریان داشت، مدرسه را ترک کرد و در همان «بنگالی پلتن» ثبت نام کرد و در سال 1917م برای آموزش نظامی به همراه نیروی بریتانیای هند به نوشروان کراچی (شهری در پاکستان فعلی) رفت.(Rezual Karim, Talukdar, 1994: p24) او آموزش نظامی را که مدت سه ماه طول کشید به خوبی تمام کرد و در نتیجه انجام کارهای دلیرانه، خیلی زود به سمت «ماستارهاولدار» (گروهبان درجه عالی) منصوب گردید که برای سربازی بنگالی واقعاً بی‌سابقه بود. دو و نیم سالی خدمت نذر الاسلام در ارتش، یکی از مهم‌ترین دوران زندگی وی می باشد. (رفیق الاسلام، 1972م:ص33) زیرا در همان ایام، وی با آثار شاعران مشهور ایران به ویژه خیام و حافظ و سعدی و رومی به خوبی آشنا گردید. خودش در مقدمه ترجمۀ رباعیات حافظ شیرازی ذکر نموده که در مدت سه ماه، نزد عالمی دینی، زبان فارسی را به خوبی فرا گرفت و در زمانی کوتاه، تمام آثار مشهور شاعران فارسی‌گوی ایران را به طور کامل خواند. (شلی، راشد الحسن، 2005م:ص30) «در حقیقت نبوغ و زندگی شعری و

ادبی قاضی نذر الاسلام نیز در حین انجام وظیفهٔ نظامی در کراچی شکوفا شد.» (احمدشهاب الدین، همان:ص485) به طوری که شروع زندگی سربازی را می‌توان آغاز زندگی شعری و ادبی او خواند. (محمد عیسی شاهدی، همان:ص24) در همان اوقات وی اشعار و مقالات و داستانهای دلچسب خود را مرتباً برای مجلات و روزنامه‌های بنگلا زبان کلکته به ویژه مجلهٔ «مسلم بهارت » (هنـد مسـلم) و «سوغات» ارسال می‌کرد . (شیخ اجیب الحق، همان:ص 68) نوشته‌های پر مغز و نغز نـذر الاسـلام بی‌درنگ بین عامهٔ مردم منتشر گردید و مردم آزادی‌خواه را به شور و هیجان درآورد و بسیجی عمومی علیه حکومت انگلیس آغاز گردید. پیام آزادی و استقلال و انتقاد از اعمال ظالمانهٔ حکومت انگلیس در نوشته‌ها و سروده‌های وی، در دل جوانان این سرزمین آتش شورشی را بر انگیخت. این نوشته‌ها خوانندگانی از هر قشر جامعه را چنان جذب می‌کرد که رفته‌رفته مردم تمام کشور به سوی وی روی آوردند و منتظر استقبال صمیمانه برای او بودند. از این طریق نذر الاسلام، خارج از کشور نیز جای خود را در محفل شعرا و ادبا محکم می‌ساخت. در نوشته‌هایی که قاضی نذرالاسلام از کراچی بـرای مجلات ارسال می‌کرد خود را همیشه به نام «هاولدار (=گروهبان) قاضی نذر الاسلام» معرفی می‌نمود. به این خاطر وی در جامعه به تخلص «شاعر سرباز» معروف گشـت. (خـان محمـد معـین الـدین، همان:ص13) شاعران و ادیبان این کشور نوشته‌های این شاعر تازه نفس را مورد ستایش قرار می‌دادند. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و انحلال سپاه بنگالی در اوایل سال 1920 میلادی نذرالاسلام نیز از کراچی به کلکته بازگشت و در دفتر انجمن ادبی مسلمانان بنگالی سکونت گزید و از آن به بعد به طور کامل به فعالیتهای گوناگون فرهنگی و ادبی و سیاسی روی آورد. (برزگر، 1375ش:ص 2532) با سکونت گزیدن نذرالاسلام در دفتر انجمن مذکور زندگی روزنامه‌نگاری و سردبیـری روزنامـه و مجلات را آغاز نمود و چهرهٔ انقلابی وی برای همگان نمایان گشت. از آن زمان تا کناره‌گیری بر اثر بیماری سخت، وی مسؤولیتهای مختلف خویش نظیر: سردبیری روزنامهٔ «نابوجوگ» (عصر جدید) دوباره (در سال 1920 و سال 1941 میلادی) و «دهوم کیتو» (ستارهٔ دنبالـه‌دار) در سـال 1922م و «لنگول» (گاو آهن) در سال 1922 میلادی به خوبی انجام داد. اما همهٔ این روز نامه‌هـا و مجـلات همیشه بعد از مدت کوتاهی به جرم انتشار مقالات و گزارشهای شـورانگیـز و اشـعار جـانبخش و طرفداری مردم آزادی‌خواه، از طرف دولت منحل گشتند. حتی خود شاعر هم چند بار به جرم نوشتن اشعار و مقالات ضد حکومت و سلطه انگلیس به دست نیروهای انتظامی بارها دستگیر و زندانی شد.

(سال 1923 میلادی برای یک سال و در 1930 م به مدت شش ماه) (Rezaul Karim Talukdar, ibid: p50). او در زندان هم نوشتن اشعار و مقالات علیه حکومت را ادامه داد. که نخستین و بهترین نمونه ادبیات حبسیه به زبان بنگالی محسوب می‌شود و به عنوان بزرگ‌ترین شاعر مسلمان بنگـالی معروف و مورد قبول همهٔ اقشار جامعه قرار گرفت. در سال 1921میلادی شعر پر آوازهٔ نذر الاسلام به عنوان بیدروهی (شورشگر) منتشر شد و او سمبل آزادی مردم کشور شد. با این شعر، وی وزنی جدید را در ادبیات بنگالی ایجاد کرد. (خان محمد معین الدین، همان:ص16) وی علاوه برسرودن شعرها و نوشتن مقالات شورانگیز علیه حکومت انگلیس فعالیتهای گوناگون سیاسی را نیز انجام می‌داد. او یکی از بنیانگذاران «حزب کمونیستی هند» (تأسیس 1921م) بود و همچنین در تشکیل «حزب کارگران استقلال‌طلب» در سال 1925میلادی نیز شرکت نمود و یکی از اعضای حزب کنگره هند بود و در سال 1926میلادی در انتخابات عمومی مجلس نیز شرکت نمود. (عبدالمقیت چودری، 1997م: ص399) قاضی نذر الاسلام در تاریخ روز جمعه آوریل سال 1924 میلادی با یک دختر پیرو دین هندو، به نام «اشالاتا سن کوپتا (پرومیلا)»، به شیوهٔ اهل‌بیت(ع) ازدواج نمود. این ازدواج در شهر کلکته انجـام گرفت. (خان محمد معین الدین، همان:ص37) پیش از این وی با خانمی مسلمان، بـه نـام «سـیده خاتون» معروف به «نرگس اثر خانم»، در سال 1920 میلادی از دهکدهٔ «دولت پور» ناحیهٔ «کوملا» (یکی از شهرستانهای کنونی بنگلادش) ازدواج کرد. ولی گویا در شب زفاف به خاطر یک برخورد ناگوار، خانهٔ عروس را شبانه ترک کرده بود. (عیسی شاهدی، همان: ص32) قاضی نذرالاسلام از خانم پرومیلا چهار پسر داشت به نامهای آزاد کمال، آریندم خالد معروف به بلبل، قاضی سبّاساچی، قاضی آنی رُدّ. (شیخ اجیب الحق، همان: ص19) اما از این چهار پسر دو نفر اول یعنی آزاد کمال و بلبل در بچگی درگذشتند. نذرالاسلام در مقدمهٔ ترجمهٔ رباعیات حافظ شیرازی می‌گوید روزی کـه ترجمـهٔ مذکور تمام گردید پسرش بلبل که محبوب‌ترین پسر وی بود در سن چهار سـالگی درسـال 1926 میلادی از دنیا رفت. این واقعه شاعر را خیلی رنجور و اندوهگین ساخت. (رفیـق الاسـلام، همـان: ص127) قاضی نذر الاسلام 38 سال کوچک‌تر از رابیندرانات تاگور بود و بین این دو بزرگ‌ترین شاعر ادبیات بنگلا، ارتباط معنوی گرم و عمیقی وجود داشت. تاگور همیشه قاضی را تشویق می‌کرد و نوشته‌های پر شور و جان‌بخش وی را مورد ستایش قرار می‌داد. نذرالاسلام نیز به او خیلی احتـرام می‌گذاشت و وی را «شاه شاعران جهان» خطاب می‌کرد. تاگور به ستایش و تشـویق وی شـعرها

نوشت. نذرالاسلام نیز به ستایش و احترام وی چند شعر سرود و حتی گزیدهٔ اشعار خودش «سن چیتا» را به تاگور اهدا نمود. (شیخ اجیب الحق، همان: ص93-99) شایان ذکر است که تا گور هم نمایشنامهٔ مشهور خود «باشانتا» (بهار) را به نذرالاسلام اهدا کرده بود. (شهاب الدین احمد، 1999م: ص 19) تمام زندگی این شاعر وطن پرست و مردم‌دوست مملو از رنج و غم و اندوه بود. فقر، همراه همیشگی زندگی او بود. به این جهت با اینکه برای امرار معاش خود و خانوادهٔ خویش پریشان بود، باز هم از سرودن شعر و نوشتن داستان، رمان، نمایشنامه، متون فیلم، مقاله‌های ادبی و سیاسی و سرودهای عشقی و دینی و ساختن آهنگ برای آن سرودها هرگز دست نکشید و در چند فیلمنامهٔ خود، بازی نیز کرد. به این خاطر برای انجام کارهای گوناگون در زمینهٔ ادبیات و فرهنگ، دانشگاه کلکته او را در سال 1945م جایزهٔ «جاگوت تارینی» (منجی جهان)، دولت آزاد هند در سال 1960 میلادی لقب «پد مابهوش» (گل نیلوفردار) عالی‌ترین لقب دولت هند، دانشگاه رابیندرابهاراتی در سال1969میلادی لقب دی لیت (دکترا در ادبیات)، دانشگاه داکا در سال 1974 میلادی لقب دی لیت (دکترا در ادبیات)، دولت بنگلادش در1976میلادی جایزه «21 فوریه» و ارتش بنگلادش در همان سال «لوح تقدیری ارتش» به وی اعطا نمودند. این همه امتیازات تصدیق‌کنندهٔ نبوغ فوق‌العاده شاعر بود. (احمد شهاب الدین، 2001م: ص485)

تراژدی عظیم زندگی قاضی نذر الاسلام این است که اگر چه وی 77 سال حیات یافت، اما زندگی ادبی واقعی وی بیشتر از 22سال (از سال 1920م تا 1942 م) طول نکشید. علتش این بود که حوادث جان‌سوز نظیر فوت دو پسر عزیزش به ویژهٔ پسر دوم، بلبل، مبتلا شدن همسرش«پرومیلا»به مرض فلج در سال 1939میلادی و هزینه‌های هنگفت برای درمان وی و غیره یکی پس از دیگری به او روی آورد و آرزوهای زندگیش را به یأس تبدیل کرد در شعری که برای صفحه شکوفه‌های روزنامهٔ «آزاد» در 7 اوت1940میلادی نوشته است، این حقیقت را نمایان می‌کند:

ما گلی شکفته‌ایم شما هنوز شکوفه‌اید
بیایید در مجلس گلها،
پیش از پژمرده شدن بخندیم،
با شما همنشین شده‌ایم و سپس رخت بر خواهیم بست،
ما گلهایی هستیم که پروانه‌ها آن‌را خورده اند،

اما آرزو داشتیم این دنیا را بیاراییم همچون فردوس برین،
آرزوهای ماندهٔ ما را شما جوانان برآورید و بهشت را به محفل دنیا بیاورید.
(محمد عیسی شاهدی، همان:ص 56-57)

از این رو، بر اثر این همه رنج و غم و مصائب، قاضی نذر الاسلام در سال 1942 میلادی دچار سکتهٔ مغزی شد و از آن پس به رغم تلاشهای مستمر برای درمان، تا پایان عمر دستخوش اختلال حواس و بیماری روانی بود. حتی نتوانست با کسی حرف بزند یا چیزی بنویسد یعنی نیروی سخن گفتن و نوشتن را کاملاً از دست داد و این وضعیت تا پایان زندگی‌اش ادامه داشت. در تاریخ بیست و دوم ماه مه 1972 میلادی به در خواست و دعوت دولت بنگلادش، خانواده‌اش به بنگلادش آورده شد. در ژانویهٔ 1976 میلادی از طرف دولت تابعیت بنگلادش و خطاب «شاعر ملی بنگلادش» به او عطا گردید. منتهی این نابغهٔ بزرگوار و بی‌مثال ادبیات بنگلا در روز یکشنبه 29 اوت 1976میلادی در بیمارستان پی جی، داکا بدرود حیات گفت. رئیس جمهور و صدها هزار نفر از اقشار مختلف جامعه در نماز جنازهٔ این شاعر شرکت نمودند. (عبدالمقیت چودری، 1997م :ص402) پیکر نذرالاسلام را در کنار مسجد دانشگاه داکا به خاک سپردند که زیارتگاه اهل دل، اهل شعر و ادب و اهل عشق است زیرا خودش در یکی از سرودهایش می‌سراید:

در جوار مسجد دفنم کن ای برادر،
تا بشنوم اذان مؤذن را از درون قبر...

(محمد عیسی شاهدی، همان:ص 66)

2- معرفی تألیفات قاضی نذر الاسلام

v بتاردان (عطیهٔ رنجها): این کتاب مجموعهٔ 6 داستان است که به صورت نامه نوشته شده و بیان آنها به قدری موزون است که می توان آن را «نثر مسجع» نامید. (رفیق الاسلام، همان:ص 433)

v آگنی بینا (سه تار آتشی): این کتاب مجموعهٔ مشهورترین اشعار او نظیر شورشگر، عید قربان، محرم، ستارهٔ دنباله‌دار، کمال‌پاشا، شط العرب و جز اینها می‌باشد. این اشعار پر شور و زیبا است . (بینا، سازی است مثل سه تار که دارای 4 یا 5 تار می باشد که نوازندگان با دست می‌نوازند). (همان:ص466)

۷ جوگ بانی (سخن عصر): این کتاب مجموعهٔ مقالات وی می‌باشد که قبلاً به صورت جداگانه در روزنامهٔ «عصر جدید» به چاپ رسیده بود. این مقالات سرشار از طنز و انتقاد علیه حکومت بریتانیای هند است. (محمد منیر الزمان و دیگران، 1987م:ص545)

۷ راج باندیرزبان بندی (اعترافات زندانی سیاسی): این کتاب اولین حبسیهٔ منثور در ادبیات بنگلا می‌باشد که شاعر در هنگام اسارت برای ارائهٔ آن به دیوان نوشته بود. (همان:ص545)

۷ دولون چانپا (نام گلی خوشبو در بنگلادش): این کتاب مجموعهٔ اشعار و ترانه‌های وی می‌باشد که زبانش عاشقانه و روان است و شامل 19 سروده است. (رفیق الاسلام، همان:ص466)

۷ بیشر بانشی (نی زهرآلود): این کتاب مجموعهٔ 24 سروده و اشعار وی است که اغلب آنها انقلابی و شور انگیز بوده و مردم آزادی‌خواه را تشویق و ترغیب می‌کرد، به این سبب حکومت وقت این کتاب را نیز ضبط کرده بود. (همان:ص466)

۷ بهانگرگان (سرود درهم شکستن): این کتاب شامل 11سروده و شعر انقلابی تشویق‌کننده و شور انگیز و یکی از حبسیه‌های منظوم نذرالاسلام محسوب می‌شود که در آن دولت را با زبان طنز مورد انتقاد قرار داده است. (رفیق الاسلام، همان:ص 433)

۷ ریک تربیدن (رنج بینوا): این کتاب مجموعهٔ 8 داستان جذاب و عاشقانه است که زبان داستانها بسیار ساده و روان و قابل ستایش می‌باشد. (همان:ص433)

۷ چیت تاناما (دل‌نامه): این کتاب مجموعه اشعار و ترانه‌هایی که نشان‌دهندهٔ غم و اندوه شاعر در سوگواری آقای «چیتّارَنجَن داش»، ملقب به کشور دوست، می‌باشد. (همان:ص433)

۷ سیانت (نام یکی از نتهای موسیقی): این کتاب شامل 52 شعر و ترانهٔ عاشقانه، مهجوری، کشور دوستی و غیره می‌باشد. (همان:ص433)

۷ شم موبادی (مساوات خواهی): این کتاب منظوم شامل نظریهٔ سوسیالیستی شاعر است و در هر بیت آن سخن از تساوی و برابری همگانی و انسانیت و جوانمردی هویدا و آشکار می‌باشد. (رفیق الاسلام، 1990م:ص466)

۷ پوبرهوا (باد شرقی): این کتاب حاوی 37 شعر و سروده با مضامین عشق و هجران می‌باشد که بیانگر وضعیت واقعی روحی و احوال دل یک شاعر شورشگر است. (رفیق الاسلام، 1993م: ص433)

v زینگه فول (گل زینگه): این اثر شامل 13 شعر کودکانه جالب و دل انگیز و در عین حال روان و مناسب برای بچه‌ها می‌باشد. (همان:ص434)

v دوردینیرجاتری (مسافرروزگار تلخ) : این کتاب مجموعهٔ7 مقاله است که در هر سطر آن سخن از بیداری و آزادی ملت به صورت طنز و تحریض نگاشته شده است. (محمد منیر الزمان و دیگران، همان:ص545)

v شاربوهارا (بی خانمان): این کتاب مجموعه 25 سرودهٔ شاعر با مضمون عدالت خواهی، جوانمردی، کشور دوستی، آزادی، اقامهٔ حقوق زنان در جامعه و جز آن می‌باشد. (رفیق الاسلام، 1990م:ص466)

v رودرو مانگول (سعادت در وحشت): این کتاب مجموعه 7 مقاله دینی، کشور دوستی و غیره می باشد. (رفیق الاسلام، 1993م:ص434)

v فانی مانشا (کاکتوس ماری): این کتاب مجموعهٔ اشعار و ترانه‌های بیدارکننده و شورانگیز می‌باشد که غالب آنها مربوط به وقایع نظامی و ستایش مردم سیاسی است. (همان:ص434)

v بادون هارا (بی‌بند وبار/ بی‌نظم): این کتاب یکی از رمانهای شاعر است که داستان عشق ناموفق خود وی را بیان می کند و گفته می شود که «شورش‌گر» مشهورترین شعر نذرالاسلام است. (همان:ص 434)

v شین دو هین دول (تلاطم دریا): این کتاب مجموعهٔ 18 شعر و نغمهٔ عشقی شاعر می‌باشد و علاوه بر اینها دارای موضوعات دیگر نظیر ستایش فقر، وصال با دوست و رنج و شکنجه هجران نیز است. (همان:ص434)

v شن چیتا (منتخب اشعار): این کتاب دارای اشعار و سروده‌های مشهور شاعر می‌باشد که به رابیندرانات تاگور اهدا شده است. (خان محمد معین الدین، همان:ص 212)

v بلبل- جلد اول: مشهورترین کتاب نغمات قاضی نذرالاسلام که به نام پسر عزیزش نگاشته شده و ترانه هایی آهنگ اغلب ترانه‌هایش از آهنگ‌های ایرانی، ترکی، عربی وکشورهای دیگر خاورمیانه اقتباس شده است. (رفیق الاسلام، 1993م:ص434)

v زنجیر: این کتاب مجموعهٔ اشعار و ترانه‌های دینی شاعر می‌باشد که تعدادش 16 است پهلوانان و مراسم دینی نظیر: خالد امان الله، عمر فاروق، نوروز، سوغات، عید مبارک، خوش آمدید و غیره از عناوین آن می‌باشد. (همان:ص434)

v چاکروباک (بط/ مرغابی): این کتاب مجموعهٔ 22 اشعار شاعر می‌باشد و دربرگیرندهٔ موضوعات گوناگون عشقی و طبیعی است. (همان:ص 411)

v شندا (شامگاه): این کتاب مجموعهٔ 23 شعراست که دارای موضوعاتی مانند ستایش زندگی، جوانی و جوانمردی، سرود نظامی، سرود نوجوانان و غیره است.(همان:ص413)

v چوکر چاتوک (چشم چکاوک گونه/ منظور چشمی که منتظر باران- محبوب - است): این کتاب مجموعهٔ 51 ترانه و نغمات معروف شاعر می‌باشد و اغلب این سروده‌ها بر اساس غزلهای فارسی نوشته شده که بسیار مورد قبول و توجه اقشار مختلف جامعه قرار گرفت. (همان:ص434)

v مریت توکودا (گرسنگی مرگ): یکی از رمانهای مشهور شاعر می‌باشد. زبان این رمان بسیار روان و دلچسب است. (همان:ص434)

v رباعیات حافظ: او 75 رباعی از رباعیات فارسی حافظ شیرازی را به بنگالی ترجمه کرده و براساس سبک حافظ آورده است. (محمد عیسی شاهدی، 1990م:ص44)

v نذرول‌گی تی‌کا (نغمات نذرالاسلام): این کتاب یکی از مجموعه ترانه‌های شاعر می‌باشد که دارای ترانهٔ ملی، تغزلی، سنتی، طنز و جز آن می‌باشد. (رفیق الاسلام، 1993م:ص434)

v زیلی میلی (تلألو) : این یکی از نمایشنامه‌های دلچسب شاعر می‌باشد که دارای چهار بخش جداگانه است. (خان‌محمد معین الدین، همان:ص 207)

v پرولای شیکا (شعلهٔ قیامت): این کتاب یکی از مشهورترین مجموعه‌های اشعار و نغمات شور انگیز و بیدارکنندهٔ شاعر می‌باشد و حاوی سخنهای آزادی و انتقاد از کارهای ظالمانهٔ حکومت بریتانیای هند است. (رفیق الاسلام، 1993م:ص414)

v کوه لیکا (کابوس): داستان و مضمون این رمان انقلابی می‌باشد که آزادی‌خواهان را خیلی تشویق کرده بود. (خان محمد معین الدین، همان:ص 9)

v نذرول شارولیپی (نتهای سرودهای نذر الاسلام) : این کتاب یکی از کتابهایی است که نتهای آهنگ سرودها و ترانه‌های وی می‌باشد که خودش درست کرد که تعدادش 30 عدد می‌باشد. (رفیق الاسلام، 1993م:ص435)

v چاندروبیندو (ماه خالدار): این کتاب شامل 61 ترانه می‌باشد و 18 تا از آنها طنزآمیز است و بیان آن شورانگیز و موجب تشویق جوانان آزادی‌خواه بود. (همان:ص418)

v شیولی مالا (گردنبند گل شیولی): این کتاب مجموعۀ داستانهای کوتاه می‌باشد که خیلی خوب خواننده را به جذب می‌کند. (وکیل احمد و دیگران، 1986م:ص559)

v آلیا (اشباح): این کتاب به صورت تئاتر و شعرگونه می‌باشد و مکالمات آن به شکل سرود است و داستانش از حماسۀ اساطیری دین هندو اقتباس شده است. (رفیق الاسلام، 1993م:ص421)

v شور ساقی (آهنگ ساقی): این کتاب مجموعۀ 99 ترانه و نغمۀ عاشقانه می‌باشد. (رفیق الاسلام، 1993م:ص419)

v بان گیتی (نغمه جنگل): این کتاب مجموعۀ نغمات عشق و عاشقانۀ قاضی نذرالاسلام می‌باشد. (همان:ص 435)

v ذو الفقار: مجموعۀ ترانه‌های اسلامی وی می‌باشد که برای بیداری ملت مسلمان نوشته بود. (همان:ص420)

v پوتولربیی (ازواج عروسک): مجموعۀ نمایشنامه و اشعار کودکانه می‌باشد که مناسب دختر بچه‌ها ست. (همان:ص435)

v گل باغچه (گلستان): مجموعۀ 88 ترانه جذاب و عاشقانۀ قاضی نذرالاسلام می‌باشد. (همان:ص435)

v کبّ عم پاره (عم جز به نظم): این کتاب ترجمۀ جزء سی‌ام قرآن کریم به صورت منظوم می‌باشد و از آثار جاودان شاعر است. (خان محمد معین الدین، همان:ص 204)

v گیتی شاتو دال (نغمات نیلوفر): مجموعۀ نغمات و ترانه‌های وی می‌باشد این 100 سرود نیز به صورت نوار موجود است . (رفیق الاسلام، 1993م:ص435)

v شور لیپی (نتهای آهنگ سرودها): کتاب نتهای آهنگها و سرودهای شاعر می‌باشد که خودش ساخته است. (خان محمد معین الدین، همان:ص214)

۷ شور موکور (آیینهٔ آهنگ): این کتاب نیز یکی از کتابهای نتهای آهنگ و ترانه های وی می باشد . (همان: 214)

۷ گانر مالا (گردنبند سرودها): این یکی از مجموعهٔ کتابهای سرود می‌باشد و خیلی جالب و دلچسب است. (همان:ص9)

۷ مکتب شاهیت‌تو (ادبیات مکتب اطفال): یکی از کتابهای درسی می‌باشد که شاعر به درخواست یک ناشر برای طلاب و مدارس دینی نوشته بود. (رفیق الاسلام، 1993م:ص 436)

۷ ست‌بای، چم‌پا (یک خواهر، هفت برادر): یکی از کتابهای جالب شاعر است که راجع به داستان هفت برادر و یک خواهر است که جادوگری آنها را به گل چم‌پا تبدیل کرده بود. (عبدالمقیت چودری، 1997م:ص401)

۷ نیرزار (آبشار): این هم یکی از کتابهای اشعار و سرودهای شاعر می‌باشد که حاوی سخنان جالب و دلنشین بوده و خواننده را به خود جذب می‌کند. (رفیق الاسلام، 1993م:ص436)

۷ ناتون چند(هلال): مجموعهٔ 19 شعر که دارای بیان شور انگیز و انقلابی است. (رفیق الاسلام، 1993م:ص 436)

۷ ماروبهاشکار (خورشید صحرا): این کتاب منظومه‌ای است که براساس زندگی‌نامهٔ پیامبر اکرم(ص) نوشته شد. (همان:ص 436)

۷ بلبل- جلد دوم: این هم مثل جلد اول آن مجموعهٔ سرودهای قاضی نذر الاسلام می‌باشد. (همان:ص436)

۷ شانچاین (گزیدهٔ اشعار): این کتاب گزیدهٔ مشهورترین اشعار و سرودهای شاعر می‌باشد. (عبدالمقیت چودری، 1997م:ص401)

۷ شش سوغات (سوغات آخر/آخرین هدیه): این هم مجموعهٔ اشعار و سرودهای شاعر است. (همان:ص402)

۷ رباعیات عمر خیام : در این کتاب 198 رباعی از رباعیات فارسی عمر خیام نیشابوری را به زبان بنگالی و خیلی زیبا و بی‌نظیر ترجمه کرده است. (نذرالاسلام، 2000م:ص2)

۷ مادهو مالا (گردن بند عسلی/ منظور سیمین‌تن): این هم یک تئاتر شعر گونه و مکالمهٔ آن با سرود است. (رفیق الاسلام و دیگران، 1993م:ص 436)

v زار (طوفان): این کتاب مجموعۀ اشعار و سرودهای قاضی نذر الاسلام می‌باشد. (همان:ص436)

v دهوم کیتو (ستارۀ دنباله دار): این کتاب مجموعۀ مقالات شاعر است. (همان:ص436)

v پیلی پاتکا پوتولربی یه (ازدواج عروسک پیلی پاتکا): این کتاب مجموعۀ نمایشنامه و اشعار کودکانه شاعر می‌باشد که بسیار شیرین و خواندنی است. (همان:ص436)

v رنگا جابا (شقایق سرخ): این کتاب مجموعۀ سرودهای مربوط به دین هندو می‌باشد. (همان:ص436)

3- عشق به اهل بیت در نغمات قاضی نذر الاسلام

در مقدمه ذکر شد که قاضی نذرالاسلام شاعری، عاشق پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) است که این علاقه‌مندی در اکثر آثارش به چشم می‌خورد. حتی هنگامی که وی سردبیری روزنامه دهومکتو را بر عهده گرفت، شماره‌ای دارای هفت صفحه با عنوان «محرم» در تاریخ دوم سپتامبر 1922 میلادی به‌مناسبت عاشورای همان سال منتشر نمود که نخستین شمارۀ ویژه راجع به مراسم دینی مذکور در تاریخ روزنامه‌نگاری زبان بنگلا محسوب می‌شود. یعنی شاعر ملی بنگلادش در این زمینه هم پیشرو گردید. این شماره پر از مقالات و اشعاری بود که اغلب آنها نوشته‌های خود شاعر بودند. (عبدالحی شیکدار، 2006م:ص8) شایان ذکر است که همگان این شماره را فوق العاده مورد تحسین و ستایش قرار دادند. یکی از اشعار شاعر با عنوان «محرم» که در این شماره انتشار یافت و دارای 84 بیت بود، در جامعه فوق‌العاده شهرت پیدا کرد. مطلع این شعر به شرح زیر می‌باشد:

«آسمان نیلی سیاه و دنیا از خون سرخ سرخ شد

ای مادر! پسر عزیزت به دست قاتلان خون شد.»

(عبد المقیت چودری، 1997م:ص52)

دربارۀ این شعر دکتر محمد عیسی شاهدی می‌نویسد:

« یکی از اشعار معروف قاضی نذرالاسلام «محرم» است. نذرالاسلام در این شعر ایثار و از خود گذشتگی حضرت امام حسین (ع) و مظلومیت زنان و کودکان اهل بیت پیامبر(ص) و ددمنشی یزید و نیروهایش را طوری ترسیم کرد که حماسۀ کربلا و درسهای این واقعۀ جان‌گداز از طریق این شعر در زبان و ادبیات بنگلا جاودان شد؛ البته از قرون گذشته بر اساس واقعۀ جان‌گداز کربلا

در ادبیات بنگلا اشعار سنتی، پوتی(عامیانه)، مرثیه‌خوانی، جنگ‌نامه، داستان‌سرایی و جز آن رواجی وسیع داشت. در قرن معاصر، میر مشرف حسین در کتاب معروف خود «بیشاد سندهو» (دریای غمها) واقعهٔ کربلا را زنده و جاودان گردانید؛ ولی به‌دلیل عدم پشتوانهٔ تاریخی و داستانی بودن آن از انتقادات پژوهشگران مصون نماند. در این رابطه شعر نذرالاسلام تحت عنوان «محرم» در حقیقت خلاصهٔ گذشته‌ها و ارزیابی موزون کربلا، عاشورا و شهدای کربلا است.» (محمد عیسی شاهدی، همان: ص 30)

فعالیتهای مذکور شاعر نشان می‌دهد که او عاشق واقعی اهل بیت (ع) بود. یکی از مشخصات نذر الاسلام این است که وی نغمه‌سرایی را در ادبیات بنگلا به مقام اوج رسانید و در این زمینه هنوز هیچکس حتی رابیندرانات تاگور هم نتوانسته به مقام او دست یازد. وی تقریباً سه هزار سرود دربارهٔ موضوعات گوناگون نوشت. از این ترانه‌ها بیشتر از دویست عدد نغمات اسلامی وی می‌باشد که موضوعات مختلف اسلامی نظیر حمد خداوند، نعت پیامبر گرامی(ص)، سرودهای انقلاب اسلامی، ستایش شخصیتهای اسلامی، سرودهای عشقی و معنوی، وسرودهایی راجع به مراسم اسلامی و جز آن را دربر گرفته است. ستایش اهل بیت(ع) هم یکی از موضوعات مهم نغمات اسلامی او می‌باشد که بعضی جاها به صورت سرود مستقل و بعضی جاها به صورت بخشی از یک سرود ذکر شده است. این سرودها در جامعهٔ کنونی آن‌قدر معروف و مشهور است که بدون خواندن آنها با آواز و آهنگ خوش چه دینی یا چه فرهنگی، هیچ محفل و جلسه‌ای رونق نمی یابد. چند نمونه از نغماتی که نذرالاسلام در عشق و محبت اهل بیت (ع) سروده است، به شرح زیر می‌باشد.

3-1: نغمات قاضی نذرالاسلام راجع به حضرت علی(ع)

1

ای فاتح خیبر علی(ع) حیدر! بیدار شو، بیدار شو بار دیگر
بده آن ذوالفقاری دوسری که قلعه‌های دشمنان را تباه می‌کرد
ای شیر خدا! باز گرد بار دیگر در عربستان
به صدای «یا علی(ع)!» فریاد می‌زنند مسلمانان مستضعفان جهان
با بانگ حیدری خفتگان جهان را

بیدار و هشدار کن.

گرزی که بدان اوج کوه البرز را تباه کردی

آن را بار دیگر بزن!

ای ساقی بهشت! این ملت مرده شده را آب کوثر ببخش

امروز این ملتی (که روزی) فاتح جهان (بود)، از خود بی‌هوش و بی خبر اند

(لذا به) این (ملت) قوت و جوشش وشجاعت ببخش

بیا با به باد کردن گرد و غبار بیابان نامیدی و مأیوسی،

با سوار شدن بر اسب دُلدُل.

(نذرالاسلام، 1998م:ص 196)

2

توفیق ببخش ای خدای مهربان

تا جهان اسلامی بار دیگر آباد شود...

بار دیگر ببخش آن سلطنت گم شده/ که از دست داده‌ایم

باز ببخش همان ذوالفقار که از آن شیر خدا حضرت علی(ع) بود...

تمام مسلمانان جهان در یک جماعت باشند

بلند باشد همان پرچمی که دارای هلال است.

(همان:ص 198)

2-3: نغمات قاضی نذرالاسلام راجع به حضرت فاطمه(ع)

1

مادرمان فاطمه(ع) ملکهٔ بهشتها است

او دخت محبوب جهان و فرزند حضرت نبی اکرم(ص) است

او اهل مدینه و نجات‌دهندهٔ از گناه و غم است

پناه امت نبی(ص) و فرشتهٔ خوش و شادی‌بخش است.
ای مادر! در بیابان و صحرای (ناامیدی) تو ابر مهر هستی
تو برای جان تشنهٔ کویر گرمسار، سایهٔ درخت مهر هستی.
ای مادر! همهٔ زنان جهان که اسیر (در زندان قوانین مردان) بودند،
از لمس لطف و مهر تو آزاد شدند.
ای مادر! حسن(ع) را (در مدینه) و حسین(ع) را
در بیابان کربلا برای نجات این امت فداکردی
به‌جای آن، در عوض آن، در روز حشر (از خدای بزرگوار)
نجات گنهکاران که بنده نیز شامل آنان هستم، را خواهی خواست.
تو چه خوش آمدی ای مادر! چون آبشاری که از سینهٔ سنگ کوه جاری می شود،
چون آب زمزم که حوض لطف و مهر است.
ای فخر زنان اسلام خوش اخلاق و پاک نژاد!
از فردوس برین باران رحمت را بر ما بارانید.

(عبد المقیت چودری، 2000م:ص91)

2

با کبوتر آبی رنگ، دختر بچهٔ حضرت نبی(ص) در مدینه بازی می‌کند
از نور بدن او رنگ پیراهن زعفرانی‌اش پریده می‌شود.
شکل صورت او عین صورت مبارک حضرت نبی(ص) است
چشمهایش همیشه پر از لطف و مهر است
او بره را (در آغوش) می‌گیرد
و با شوق از او درخواست شنیدن کلمه (شهادتین) می‌کند.
چه کسی (نمی‌دانم) در مسجد جمعه آیات قرآن تلاوت می‌کند
او بی‌درنگ (که آن تلاوت را شنید،) بازی را ترک می‌گوید

و با بالا کردن دستهای کوچولویش (به دربار الهی) مشغول به مناجات شود.
(در حال مناجات) اشک می‌ریزد (از دیده‌هایش) چون جریان آب دریای نیل
و گریه کنان فریاد می زند: «(الهی) امت (پدرم را) نجات بده!»
(از شنیدن این‌چنین مناجات) حضرت رسول خدا(ص) او را (با لطف و مهر) در آغوش می‌گیرد و
می‌فرماید: « ای فاطمه (ع)! تو ملکهٔ بهشت برین هستی.»

(همان:ص91)

3

زنان ما، در اخلاق و صفت الگو برای جهان می‌باشند...
دختر پیامبر، فاطمه(ع) ملکهٔ زنان پاکدامن و با اخلاق ما است
فداکاری و خدمات و لطف او بود چون آب کوثر در کویر گرمسار
امروز هم وصف و ستایش او در هر خانه بین مرد و زن خوانده می‌شود.

(همان:ص85)

3-3: مراثی قاضی نذرالاسلام راجع به حوادث دردناک کربلا

1

هلال ماه محرم بار دیگر طلوع کرده برای ایجاد ناله و شیون و زاری در دنیا
« ای حسین (ع)! وای حسین(ع)!!» ماتم آن به گوش می‌خورد.
(به‌مناسبت این سالروز سوگواری)
زین‌العابدین(ع) از ناله و زاری در کربلا از هوش رفته است
حضرت علی و فاطمه (ع) در بهشت خودشان را بر زمین افکنده، ناله و زاری می کنند.
امروز هم صدای ناله و زاری آن در همه جای آسمان و زمین گوش می کنم
و بر کویر صحرا از ابر سرخرنگ خون می‌بارد.
خانم سکینه با گرفتن جسد قاسم در آغوش خود ناله و زاری می کند
خداوند نیز با مشاهدهٔ آن سینهٔ نازک تیر خوردهٔ کودک اصغر، به گریه درآمده.
امروز مسلمانان جهان (از یاد این سالروز سوگواری) ناله و زاری می کنند و مرثیه می‌خوانند.

در سوگ آن، از هزار سال گذشته، اشکها (از دیده‌های بنی آدم) دائماً می‌ریزد.

(همان:ص92)

2

آن محرم سوگواری با یادگاری (حوادث اندوهگین) کربلا از راه رسید

امروز مسلمانان جهان از یاد آن وقایع سوگواری، از ناله و زاری بی‌تاب و بی‌قراراند.

امروز یادم می‌آید تشنگی بچهٔ شیرخوار اصغر که آب خواسته بود

اما (از ضربهٔ تیر دشمنان) به شهادت رسید در حالی‌که او در آغوش حسین(ع) بود.

(یادم می‌آید که) سکینه از رنج و اندوه بسیار زیاد در خیمه بی‌هوش افتاده،

در حالی‌که در یک دست او دستبند ازدواج و بر دست دیگر جنازهٔ قاسم بود.

آه! زین العابدین(ع) از گریه و زاری از هوش رفت

و از دیده‌هایش (در جای اشک) خون می‌ریزد

چون او انسان است، می‌تواند (اینچنین رنج و اندوه را) تحمل کند.

اما اگر سنگ هم بود، (از تأثیر آن) به‌تدریج از بین می رفت.

چون حضرت حسین(ع) به شهادت رسیده است،

اسب دُلدُل پشت خالی نیز از سوگ او گریه می‌کند

به‌مناسبت این سوگ در آسمان به‌جای باران، خون می‌بارد.

(همان:ص93)

3

(بعد از شکست دادن دشمنان) چون پسر عزیز فاطمه(ع)، حسین(ع)، در آب فرات فرود آمد،

از دیده‌هایش سیل اشک جاری شد.

در دو کف خود آب برداشت اما بی‌درنگ از دستها به پایین انداخت،

آه! شاید آن حوادث دردناک و دلسوز به یادش آمد که

کودک شیرخوار اصغر به جرم خواستن آب، تیر دشمنان را خورد

و با نوشیدن خون خود، برای همیشه خوابید

داماد نو، قاسم هم برای این آب به شهادت رسید.
برای به دست آوردن این آب، حنای دست سکینه (که به‌مناسبت ازدواج خود مالیده بود)، ناپدید شد.
صدای آه و ماتم آن از موج این آب (رود فرات) شنیده می‌شود
خون شهیدان با این آب آمیخته شده است.
بازوی عباس شجاع برای این آب قطع شد و به شهادت رسید.
زین العابدین(ع) از فقدان این آب در خیمه از تشنگی دارد می‌میرد.
اگرچه حسین(ع)، فاتح این جنگ است، اما از رنج و اندوه این حوادث سوگوارشد، و در آخر (به دست دشمنان) به شهادت رسید.

(نذرالاسلام، 1998م:ص 201)

4

ای مادر فاطمه(ع)! سریع بیا و ببین، (دشمن) بر سینهٔ پسر عزیزت خنجر می‌زند
ای مادر! آخرین چراغ دین (مبین اسلام) دارد خاموش می‌شود
ای دریغ! شهر مدینه هم دارد تاریک می‌شود.
کجا هستی ای شیر خدا و ذوالفقار تو کجا است؟
(بیدار شو و) گورت را شکاف بده و بیا به میدان کربلا
فرزندان، اولاد تو امروز (به دست دشمنان) ویران شدند
(به این خاطر) تمام عالم از سوگ آن پژمرده شد.
ای آخرین پیامبر(ص)! تو کجا هستی؟ بر گردنی که تو می‌بوسیدی،
دشمنان بر همان گردن حسین شمشیر می‌زنند.
تو چطور تحمل می‌کنی؟
(شنیدم که) تو در روز حشر آب کوثر را به گنهکاران خواهی نوشانید
آیا، تو مشاهده نمی‌کنی که کودک شیرخوار از فقدان آب می‌میرد؟

(عبد المقیت چودری، 2000م:ص94)

5

اهل مدینه از رنج و اندوه و سوگ با آه و زاری می‌نالند
چون لبخند دل‌انگیز از دهان ماه پر نور خاموش شده است.
باران سوگ می‌نالد و بر سینهٔ بیابان می‌بارد و موج می‌زند
تمام عربستان از طوفان غم اندوه غرق شده است.
امروز گلها در گلستان شکوفه نشد
بلبلها نیز گریه و زاری می‌کنند،
و آسمان از گرد و غبار کویر صحرا تاریک شده است.
گیاهان و درختان و مرغان جنگل (می‌نالند) و می‌پرسند که «حسین کجاست؟»
(فلک نیز از این سوگ و اندوه) ستارگان را (بر زمین) می‌افشاند.

(همان:ص94)

6

گردباد سوگ و اندوه در کویر صحرا برخاسته است/ جاری می‌شود
آسمان نامحدود و بی‌انتها از ناله و زاری بی‌تاب می‌شود و می‌لرزد.
چون طوفان حضرت نوح بازگشته
باران شدید از آسمان چون اشک می‌بارد.
کوه و دشت و دریا و بیابان و جنگل گریان «ای حسین! ای حسین!!» فریاد می‌زنند
حیوانات و پرندگان با گیاهان و درختان گریه و زاری می‌کنند.
فقیر و پادشاه، امیر و امرا (همه) مانند آن روزی (که حسین شهید شده بود،) امروز هم اشک می‌ریزند و مرثیهٔ آن می‌خوانند
تمام عالم تمام خواهد شد، اما جریان ریختن این اشک (هرگز تمام نخواهد شد، بلکه) از دیده‌های زمان تا ابد خواهد ریخت.
آن رود اشک چون آبشار بهار همیشه در دل مسلمانان جهان جاری است،
آن کربلا و آن رود فرات همیشه در دل مسلمانان جهان زنده است.
تا زمانی که آسمان و زمین باقی بماند،

همگان (از یادگاری این روز سوگواری) این ناله و زاری را ادامه خواهند داد.

(همان:ص95)

3-4: نغمات قاضی نذرالاسلام راجع به اهل بیت(ع)

1

بیار همان مهر و صفای حضرت رسول خدا(ص)

و بیار نیرو و قوت حضرت شیر خدا

و بیار همان قربانی کربلا

و بیار همان رحم و کرم مادرمان فاطمه (ع)...

و بیار همان فداکاری حضرت حسن و حسین(ع)

(و بیار) همان بیعت شهادت شهیدان...

و بیار اسم اعظم

(و بدان) مسلمانان مرده را جان ببخش.

(همان:ص59)

2

گرچه در دست اسلحه نیست

دست به دست بده و بیا با هم به جلو بریم

اگر متحد باشیم، خود به‌خود قدرت ذوالفقار به دست آید

بیار نیرو و قوت حضرت علی(ع) و فداکاری حسین(ع)....

(همان)

3

(اگر تو عاشق اهل بیت شده باشی)

در دل تو رود فرات جاری خواهد گردید

و الله که هادی ما هستند، به تو درجهٔ شهادت را عطا خواهد بخشید.

(همان:ص75)

4

مرد: من پسر جوان مسلمان هستم، در دست من ذوالفقار حضرت علی(ع) بسته است

زن: من دختر جوان مسلمان هستم، از نور چراغ من، ظلمت جهان را دور می‌کنم

مرد: برای نگاه داشتن پرچم دین، من جان خودم را قربان می‌کنم

زن: چندان پسر من (برای حفاظت دین اسلام) در بیابان کربلا شهید شدند

من دختر مادرم، فاطمه هستم(ع)...

(همان:ص87)

نتیجه‌گیری

قاضی نذر الاسلام نابغه‌ای شگفت‌انگیز برای ادبیات بنگالی می‌باشد او همانند ستاره‌ای دنباله‌دار در آسمان ادبیات بنگالی رخ نمود و ناپدید شد اما تأثیری که بر ادبیات بنگالی گذاشت بی‌نظیر بود و آثار جاودان وی نه تنها ادبیات بنگالی را غنی نمود بلکه برآثار دیگران نیز پرتو و درخششی خاص بخشید و علتش این است که وی از شیفتگان شعر و ادب جاودان فارسی به ویژه حافظ و خیام بود و برخی از آثار مشهور فارسی را به نظم بنگالی برگرداند.

دربارهٔ قاضی نذر الاسلام به سخن صاحب دانشنامهٔ ادب فارسی اکتفاء می‌کنیم: « نذر الاسلام از بزرگترین شاعران بنگالی به شمار می‌آید. او را بعد از تاگور، بزرگ‌ترین نابغه در شعر و ادبیات بنگالی دانسته‌اند. او صاحب نبوغی سرکش و سرشار از شوق و زندگی پویا بود. شعر معترض او در برابر بی‌عدالتیها و نابرابریهای اجتماعی جنبشی پدید آورده و با تلاش بر ضد اصول محافظه‌کارانه و تجلیل از اسلام تاریخی و معاصر حوزهٔ وسیعی را دربر گرفته است. او قالب فارسی غزل را در زبان بنگالی متداول کرد و این زبان را با انبوهی از واژه‌های فارسی و عربی وارد و به توصیفات شاعرانه غنا بخشید. نذر الاسلام «بانی تحولی در ادبیات بنگالی» شد و به جای قهرمانان قدیم و افسانه‌های هند، قهرمانان مسلمان را وارد صحنهٔ ادبیات کرد و به جای لغت سنسکریت، کلمات فارسی و عربی به کاربرد و در مدح قهرمانان عرب، ترکیه و ایران شعرها سرود. آثار و نوشته‌های وی بسیار زیاد است چنان‌که او همواره یا می‌نوشت یا با شوق مشغول تعلیم به دیگران بود. (برزگر، 1375ش:ص2532)

از مشخصه‌های مهم آثار قاضی نذرالاسلام عشق و علاقه او به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بود که هنوز در بنگلادش سروده‌ها و نغمات او را از حفظ در مجالس ومناسبتهای خاص می‌خوانند.

منابع و مآخذ

منابع بنگالی

1. احمد شهاب الدین (1999م)، ***داوری در آثار ادبی قاضی نذر الاسلام***، بنیاد اسلامی بنگلادش، داکا.

2. _____، (2001م)، ***مقاله نذرالاسلام***، دایرة المعارف مختصر اسلامی - عبدالحق فریدی، بنیاد اسلامی بنگلادش، داکا.

3. احمد، وکیل و دیگران (1986م)، ***مجموعه داستانها***، دانشگاه داکا، داکا.

4. اسد الحق، (1990م)، ***نذر الاسلام - خلق کننده سرودها***، مؤسسه نذر الاسلام، داکا.

5. چودری، عبد المقیت (1997م)، ***نذر الاسلام اشعار اسلامی***، بنیاد اسلامی بنگلادش، داکا.

6. _____، (2000م)، ***نذر الاسلام ترانه‌های اسلامی***، بنیاد اسلامی بنگلادش، داکا

7. خان، محمد معین الدین (1996م)، ***نذر الاسلام - خالق دوره‌ای***، انتشارات الحمره، داکا

8. رفیق الاسلام (1982م)، ***قاضی نذر الاسلام حیات و اشعار***، انتشارات برادران ملک، داکا.

9. رفیق الاسلام و دیگران (1990م)، ***مجموعه اشعار***، دانشگاه داکا، داکا.

10. _____، (1993م)، ***آثار ادبی قاضی نذر الاسلام (6 جلدی)***، بنگلا آکادمی، داکا.

11. شاهدی، محمد عیسی(1990م)، ***بلبل ایران - حافظ شیرازی***، آکادمی تحقیقات و تربیت اسلامی، داکا.

12. شلی، راشد الحسن، و محبوب باری (2005م)، ***تأثیر زبان فارسی در آثار نذر الاسلام***، تریشال میمانسینگ، مؤسسه تحقیقات آثار نذر الاسلام و فرهنگ سنتی، بی‌جا.

13. شیخ، اجیب الحق (2001م)، ***زندگی و آثار نذر الاسلام***، بنیاد اسلامی بنگلادش، داکا.

14. شیکدار، عبد الحی (1996م) ***زیارتگاه شاعر چورولیا***، انتشارات الامین، داکا.

15. _____، (2006م)، ***محرم در آثار نذر الاسلام***، مؤسسه نذر الاسلام، داکا.

16. عارف، حکیم (1997م)، ***فهرست واژگان در آثارنذر الاسلام***، مؤسسه نذر الاسلام، داکا.

17. منیر الزمان، محمد و دیگران (1987م)، ***مجموعه مقالات***، دانشگاه داکا، داکا.

18. نذر الاسلام، قاضی (2000م)، ***ترجمه رباعیات عمر خیام***، کتابخانه موهون، کلکته.

19. _____، (1998م)، *گزیده ترانه‌های نذر الاسلام*، انتشارات شاهیت توم، کلکته.
20. نور الاسلام، مصطفی (1991م)، *نذر الاسلام - مناسبت مختلف*، مؤسسه نذر الاسلام، داکا.

منابع فارسی

1. برزگر، حسین (1375ش)، *مقاله نذرالاسلام*، ص 2532-2533، دانشنامه ادب فارسی- حسن انوشه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، تهران.
2. شاهدی، محمد عیسی (1374ش)، *گزیده احوال و آثار قاضی نذر الاسلام*، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، داکا.

منابع لاتین :

1. Nurul Huda, Mohammad, (1997), ***Nazrul : An evaluation***, Dhaka, Nazrul Institute.
2. _____,(2001), ***Nazruls aesthetics and other aspects,*** Dhaka,Nazrul Institute.
3. Nurul Huda,Mohammad,(1997),***Poetry of Kazi Nazrul Islam in English translation***, Dhaka,Nazrul Institute.
4. Mizanur Rahman,(1983),***Nazrul Islam***, Dhaka,Islamic Foundation Bangladesh.
5. Sajed Kamal, (2000),***Kazi Nazrul Islam***, Selected Works,Dhaka, Nazrul Institute.
6. Rezaul karim,Talukdar,(1994),Nazrul, Dhaka,Mannan.